یادداشت

شوتی‌ها از قانون هراس ندارند

مریم کریمی

«شوتی» را می‌توان پدیده‌ای اجتماعی-اقتصادی عنوان کرد که در آن قاچاق کالا یا انسان با خودرو صورت می‌گیرد. خودروهایی که سرعت‌های غیرمجازشان جان سرنشینان، سرنشین خودروهای عبوری و رهگذران را به خطر می‌اندازد. رانندگانی که برای شناسایی نشدن و فرار از دست پلیس پلاکشان را مخدوش می‌کنند و در جاده‌ها توقف نمی‌کنند و با سرعت ۲۲۰ کیلومتر رانندگی می‌کنند. با برخی از آنها که همکلام می‌شوی وضعیت بد معیشت، دستمزدهای اندک و نبود امکانات ضروری زندگی و رفاه را دلیل روی آوردن به این شغل اعلام می‌کنند. آنگونه که می‌گویند برای جابه‌جایی کالا از شهری به شهر دیگر بین ۱۰ تا ۱۵ میلیون دستمزد می‌گیرند. «شوتی»های ساحلی، ته‌لنجی جابه جا می‌کنند، سایرین هم گاهی انواع کالا و گاهی هم انسان قاچاق می‌کنند. البته حیطه‌بندی‌هایی هم در این بین مطرح است. شوتی‌های شرق ایران به قاچاق مهاجران غیرقانونی می‌پردازند. آنچه از شواهد و گفت‌وگو با برخی از رانندگان شوتی به دست می‌آید، این است که با شدت گرفتن تنش در افغانستان و قدرت گرفتن طالبان آمار قاچاق انسان توسط خودروهای شوتی افزایش یافته است.

بر هیچ کس پوشیده نیست که مبدأ بسیاری از خودروهای «شوتی»، استان بوشهر و بندر گناوه است. این خودروها از سایر بنادر و مناطق مرزی هم بارهای قاچاق را به مناطق دیگر کشور حمل می‌کنند. بار این خودروها هر چیزی می‌تواند باشد، انواع کالاهای قاچاق و غیرقاچاق و حتی انسان. در نواحی جنوبی و جنوب‌غربی بار آنها بیشتر شامل اقلامی مانند پوشاک، نوشیدنی‌های الکلی، ترقه، لوازم برقی، تلفن همراه، لوازم خانگی، پارچه و غیره است. خودروهای «شوتی» معمولاً نیمه‌های شب و به‌صورت گروهی و بدون توقف و استراحت با پلاک‌های مخدوش و با سرعت بالا حرکت می‌کنند تا هرچه سریع‌تر به مقصد برسند و بار جدیدی بگیرند. رانندگان این خودروها از رانندگی در جاده‌های پرپیچ و خم و خطرناک، جریمه شدن و حتی از شلیک پلیس هم هراسی ندارند. یک «شوتی» در فضای مجازی نوشته است: «در برخی از برهه‌های زمانی از بندر بار اسلحه در خودرو جاساز می‌کردم که در یکی از این دفعات در مسیر کرمان با پلیس درگیر شدم. چهار گلوله خوردم، اما زنده ماندم. با این حال راهی به جز رانندگی «شوتی» در جاده برایم نمانده است!»

نکته حائز اهمیت دیگر اینکه به قدری هشتگ‌های «شوتی» در شبکه‌های اجتماعی نشر و بازنشر می‌شود که صاحبان کسب و کار، بلاگرها و فن‌پیج‌ها برای دیده شدن تبلیغاتشان از #شوتی استفاده می‌کنند. در بستر سایبری و در برخی از دورهمی‌ها چنین عنوان می‌شود که قاچاقچی‌های سواری علت اصلی تصادفات جاده‌ای هستند. برخلاف سوختبرها و قاچاق‌برها، غالب «شوتی‌ها» افرادی بدون چارچوب اخلاقی هستند. راننده‌های «شوتی» که جاده‌ها را همانند کف دستشان می‌شناسند، دقیقاً از محل استقرار پلیس راهنمایی و رانندگی و گشت‌های جاده‌ای خبر دارند و می‌دانند که تیرهای پلیس مشقی هستند! هرچند که «شوتی» شدن بسیاری از رانندگان ریشه در فقر دارد و به قولی نانشان را در قبال جانشان به دست می‌آورند، اما گناه بی‌گناهانی که به خاطر بی‌مبالاتی برخی از آنها به کام مرگ می‌روند، چیست؟

*قریب به اتفاق رانندگانی که عزیزانشان در تصادف با شوتی‌ها مجروح شده یا جان باخته‌اند و همچنین ساکنان اطراف خیابان‌های کمربندی شهرها می‌گویند: ما دادمان را از دست راننده‌های «شوتی‌سوار» باید به کجا ببریم، پیش کدام محکمه و عدلیه؟ چرا پلیس با آنها به شدت برخورد نمی‌کند؟ چرا پلیس نمی‌تواند در مواجهه با آنها همانند پلیس‌های دنیا با قاطعیت برخورد کند؟!

هر ۵ روز شهادت یک پلیس

حسین فصیحی

شهادت ۹ مأمور پلیس در ۵۰ روز گذشته ضرورت توجه فرمانده انتظامی به مراقبت و تقویت از بدنه پلیس را مورد توجه قرار داده است. بررسی حوادثی که منجر به شهادت این مأموران شده، ضعف تجهیزات و مهارت پلیس را در مواجهه با این بحران‌ها به خوبی عیان می‌کند.

سرهنگ محمدرضا اسداللهی، فرمانده پاسگاه انتظامی چارک بندرلنگه، آخرین مأمور پلیسی است که در جریان تأمین امنیت به شهادت رسیده است. صبح روز پنج‌شنبه ۲۱ اردیبهشت‌ماه مأموران پلیس از قاچاق محموله موادمخدر باخبر و برای بازداشت متهمان وارد عمل شدند. بررسی‌ها حکایت از آن داشت که سوداگران مرگ با خودروی سواری در حال انتقال موادمخدر هستند. وقتی مأموران برای متوقف کردن خودرو وارد عمل شدند، آنها به سرعت از محل دور شدند که عملیات تعقیب و گریز به جریان افتاد. در جریان تعقیب و گریز خودروی قاچاقچیان به عمد با خودروی پلیس تصادف کرد که خودروی پلیس واژگون و سرهنگ اسداللهی به شهادت رسید. در روزی که اسداللهی به شهادت رسید پیکر سرهنگ پرکاس، رئیس اداره مبارزه با موادمخدر مرزبانی هرمزگان هم تشییع و به خاک سپرده شد. او دوشنبه هفته قبل در جریان درگیری با سوداگران مرگ در آب‌های خلیج فارس به شهادت رسیده بود.

تغییر موازنه‌های امنیتی

شهادت مأموران پلیس در جریان تأمین امنیت دور از انتظار نیست، اما فراوانی این اتفاق می‌تواند مربوط به تغییر موازنه‌های امنیتی از جمله افزایش ناامنی، کمبود امکانات پلیس، فقدان یا کمبود آموزش و مهارت در مواجهه با تهدید باشد. براساس گزارش‌هایی که پلیس منتشر کرده است از ابتدای امسال تا روز پنج‌شنبه، ۹ نفر از مأموران پلیس در جریان تأمین امنیت به شهادت رسیده‌اند، یعنی به‌طور میانگین هر پنج روز و نیم یک مأمور به شهادت رسیده است. چهار نفر از این مأموران در جریان تعقیب و گریز و در جریان واژگونی خودروهای پلیس به شهادت رسیده‌اند، به این معنا که مخلان امنیت یا از خودروهای بهتر و یا از مهارت بهتری در رانندگی برخوردار بوده‌اند. چهار مأمور پلیس هم با شلیک مستقیم مجرمان جانشان را از دست داده‌اند که یکی از آنها قاتل فراری (قاتل شهید ربیعی)، یک نفر از اشرار مسلح (قاتل شهید شهرکی) و دو نفر دیگر از سوداگران مرگ (عاملان شهادت پرکاس و مریدی) بودند. یکی از مأموران هم با تله‌انفجاری (شهید حیدریان) در مرز به شهادت رسیده است. میانگین سنی این شهدا نیز از شهید سجاد قدمی ۲۴ ساله تا شهید موسی حیدریان ۴۸ ساله در نوسان است.

افزایش تهدیدها

با وجود اینکه رفتار پلیس مقابل مخلان امنیت همواره با اقتدار همراه بوده، اما اتفاق‌های رقم خورده نشان می‌دهد بدنه پلیس قدرت تاب‌آوری مقابل تهدیدهای ایجاد شده را ندارد به همین دلیل پلیس برای اینکه بتواند از سرمایه‌های انسانی خود مراقبت کند، چاره‌ای ندارد جز اینکه همزمان با رشد تهدیدها به تجهیزات، امکانات نوین و نیروهای آموزش‌دیده برای مقابله با آن مجهز شود. موضوع دیگر درباره حمایت قانونی عملی از پلیس است. بسیاری از مأموران پلیس که شلیک‌هایشان در جریان عملیات‌های پلیسی منجر به هلاکت یا زخمی شدن مجرمان می‌شود بعداً به اتهام قتل یا ایجاد جراحت تحت تعقیب قرار می‌گیرند و به اتهام وارد کردن جراحت یا قتل محاکمه می‌شوند. روشن است مأمور پلیسی که اینگونه تحت تعقیب قرار می‌گیرد، نمی‌تواند در جریان عملیات‌های بعدی درست عمل کند و به جای اینکه انگشتش روی ماشه برود، ترجیحش این است که به مجرم اجازه فرار دهد. ترجیحی که الان هم ممکن است خیلی از مأموران پلیس بعد از دیدن وضعیت همکارانشان به آن عمل کرده باشند. البته در این باره ضعف‌هایی هم متوجه پلیس است، از جمله اینکه در مواردی از تعقیب و گریزها، رهگذران به جای مجرمان هدف شلیک پلیس قرار می‌گیرند که شلیک‌های این چنینی بیشترین ضعف پلیس در آموزش و مهارت در تیراندازی را شامل می‌شود. وضعیت نابسامان اقتصادی کشور که شیوع بسیاری از جرائم را به دنبال دارد در کنار نارضایتی‌های اجتماعی بار اضافی هستند که بر پلیس تحمیل می‌شود. بنابراین تا زمانی که پلیس نتواند در مواجهه با این تهدیدها توان خود را ارتقا دهد، مأموران بیشتری از پلیس در جریان درگیری‌های ایجاد شده به شهادت می‌رسند.

ربودن همسر سابق با آمبولانس!

آرمین بینا

مرد جوانی که همسر سابقش را با کرایه کردن آمبولانس ربوده و طلاهای وی را سرقت کرده بود، تحت تعقیب قرار گرفت.

چندی قبل زن جوانی در تهران به اداره پلیس رفت و از شوهر سابقش به اتهام آدم‌ربایی، ضرب و جرح و سرقت اموالش شکایت کرد.

وی در توضیح ماجرا گفت: «یک سال قبل با مردی به نام ابراهیم آشنا شدم و با هم ازدواج کردیم. من کارمند یک مرکز درمانی هستم و ابراهیم هم بنکدار است و در کار خرید و فروش لباس فعالیت دارد. زندگی ما دو نفر خیلی دوام نیافت و پس از ۹ ماه به‌خاطر اختلافاتی که با هم پیدا کردیم از هم جدا شدیم. پس از جدایی فکر می‌کردم زندگی راحت و بدون دردسری داشته باشم، اما اشتباه می‌کردم، چون از همان روزهای اول مزاحمت‌های شوهر سابقم شروع شد.»

آدم‌ربایی با آمبولانس

شاکی ادامه داد: «مدتی گذشت تا اینکه اواخر اسفند سال قبل به خانه خواهرم رفتم و همان روز ابراهیم با من تماس گرفت و برای صحبت کردن داخل خیابان قرار گذاشت. او گفت از رفتارهایش خیلی پشیمان شده است و با حرف‌هایش مرا فریب داد و به محل کشاند. وقتی به محل قرار رفتم او با تهدید چاقو مرا به داخل آمبولانسی کشاند که بعد فهمیدم او برای آدم‌ربایی آمبولانس بخش خصوصی را کرایه کرده است. سه ساعت مرا داخل آمبولانس گروگان گرفت و در این مدت به شدت کتکم زد و تهدیدم کرد اموال باارزش خانه‌ام را به او بدهم، اما من قبول نکردم. تنها کاری که از دستم برمی‌آمد این بود که با دست به شیشه آمبولاس می‌زدم تا رهگذر یا راننده عبوری متوجه آدم‌ربایی شود و به کمکم بیاید. در نهایت راننده‌های خودرو متوجه شدند و ابراهیم از ترس اینکه گرفتار پلیس نشود پس از سرقت طلاهایم مرا داخل خیابان رها و خودش فرار کرد.»

با شکایت زن جوان، پرونده به دستور قاضی تقی‌زاده، بازپرس شعبه پنجم دادسرای ناحیه ۳۴ در اختیار تیمی از مأموران پلیس قرار گرفت.

درحالی‌که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت و مأموران در تلاش بودند متهم را بازداشت کنند، شاکی دوباره به اداره پلیس رفت و شکایت تازه‌ای را مطرح کرد.

سرقت میلیاردی

شاکی گفت: «پس از حادثه آدم‌ربایی چند روزی در خانه خواهرم ماندم تا اینکه تصمیم گرفتم به خانه‌ام بروم تا مقداری از وسایل شخصی‌ام را بردارم و دوباره به خانه خواهرم یا برادرم برگردم تا آب‌ها از آسیاب بیفتد. وقتی وارد خانه شدم، دیدم شوهر سابقم داخل خانه است. او دوباره مرا تهدید کرد و گفت اگر شکایت کنم، این‌بار مرا می‌کشد و جسدم را آتش می‌زند. من هم از ترس به خانه برادرم رفتم و چند هفته‌ای در آنجا ماندم تا اینکه روز چهارشنبه ۱۶ فروردین دوباره به خانه‌ام برگشتم و این‌بار دیدم شوهرم قفل در خانه را عوض کرده. من با کمک پلیس در خانه‌ام را باز کردم و با به‌هم ریختگی وسایل خانه روبه‌رو شدم. شوهر سابقم شش تخته فرش ابریشمی گرانقیمت، ۳۰ هزار یورو، مقداری طلا و دسته چک سفید امضا همراه موتورسیکلت برادرم که در پارکینگ خانه‌ام پارک کرده بود، سرقت کرده بود.» با شکایت جدید شاکی، مشخص شد ابراهیم همراه مرد جوان دیگری روز حادثه دست به سرقت زده است.

بازداشت همدست

درحالی‌که ابراهیم به مکان نامعلومی گریخته بود، مأموران موفق شدند همدست متهم به نام سیروس را شناسایی و بازداشت کنند. سیروس در بازجویی‌ها گفت: «من کارگر پدر ابراهیم هستم و چند سالی است که در مغازه آنها کار می‌کنم. روز حادثه ابراهیم به سراغم آمد و گفت می‌خواهد مقداری از وسایل خانه‌اش را به خانه دیگرش منتقل کند و از من خواست در اسباب‌کشی به او کمک کنم. من خبر نداشتم وسایل متعلق به همسر سابقش است. او موتورسیکلت داخل پارکینگ را به دامادمان فروخت و پولش را هم تمام و کمال گرفت و قرار شد چند روز بعد سندش را به نام دامادمان بزند، اما از آن روز به بعد دیگر ابراهیم را دیگر ندیدم و حتی به مغازه پدرش هم نیامده است.» متهم در ادامه برای تحقیقات بیشتر در اختیار مأموران پلیس قرار گرفت.

عاملان شهادت الداغی به میز محاکمه رسیدند

رئیس کل دادگستری استان خراسان رضوی از صدور کیفرخواست پرونده شهادت شهید حمیدرضا الداغی خبر داد.

غلامعلی صادقی گفت: پس از گذشت ۱۳ روز کار فشرده قضایی کیفرخواست متهمان پرونده صادر و برای ادامه رسیدگی و طی مراحل قضایی به مرجع صالحه ارسال شد. مطابق کیفرخواست صادر شده از سوی دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان سبزوار متهم ردیف اول پرونده متهم است به مباشرت در ارتکاب قتل عمدی شهید حمیدرضا الداغی و ارتکاب جرح عمدی با چاقو، مشارکت در ایراد جرح عمدی با سلاح سرد، آدم‌ربایی، مزاحمت برای بانوان، اخلال در نظم و آسایش عمومی و تظاهر به تهدید در ملأعام. همچنین مطابق کیفرخواست صادره متهم ردیف دوم متهم است به معاونت در قتل عمدی شهید حمیدرضا الداغی، ارتکاب جرح عمدی با چاقو، مشارکت در ایراد جرح عمدی با چاقو، تظاهر و تهدید با چاقو در ملأعام و اخلال در نظم و آسایش عمومی. ادامه رسیدگی به اتهامات سایر متهمان پرونده هم در مرجع صالحه قانونی صورت خواهد پذیرفت.

بند کیف بلای جان صاحبش شد

نوید نگار

دختر جوان وقتی می‌خواست از روی فنس‌های دومتری به داخل محوطه ساختمانی برود، بند کیفش دور گردنش گره خورد و به کام مرگ رفت.

ساعت ۳ بامداد دیروز جمعه ۲۲ اردیبهشت قاضی محمدرضا صاحب‌جمعی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۸۱ وردآورد از مرگ مشکوک دختر جوانی حوالی منطقه چیتگر با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد. تیم جنایی پشت فنس‌های ساختمان‌های مرتفع در حال ساخت با جسد دختر جوانی روبه‌رو شدند که بند کیفش دور گردنش گره خورده و او را به کام مرگ برده بود. در بررسی‌های داخل کیف دختر فوت شده هویت او به نام فریبا ۲۵ ساله شناسایی و مشخص شد وی همراه خانواده‌اش در تهران ساکن است.

بررسی‌های اولیه حکایت از آن داشت فریبا به احتمال زیاد می‌خواسته از روی فنس‌های حدوداً دو متری به داخل محوطه ساختمان‌های در حال ساخت برود که به طرز مشکوکی خفه شده‌است.

مردی که موضوع را به مأموران پلیس خبر داده‌بود، گفت: «من خانه‌ام در همین نزدیکی است و پنجره خانه ما مشرف به ساختمان‌های در حال ساخت است. ساعتی قبل به آشپزخانه رفتم تا آب بخورم و از پنجره ساختمان‌های اطراف را نگاهی کردم که جسم مشکوکی نظرم را کنار فنس‌ها به خودش جلب کرد. کنجکاو شدم و از خانه بیرون آمدم و به طرف فنس‌ها رفتم و در آنجا با جسد این دختر روبه‌رو شدم و موضوع را به پلیس خبر دادم.»

بررسی دوربین‌ها

در حالی که احتمال می‌رفت دختر فوت شده به دلایلی به دست فرد یا افرادی به قتل رسیده‌است، مأموران در بررسی دوربین‌های مداربسته محل حادثه و اطراف آن دریافتند مرگ دختر ۲۵ ساله قتل نیست و حادثه است. دوربین‌ها نشان می‌دادند فریبا پس از اینکه به پشت فنس‌ها می‌آید، تلاش می‌کند از روی فنس‌ها به داخل محوطه برود، اما هر بار کیفش مانع او می‌شود و دختر جوان نمی‌تواند از روی فنس‌ها به داخل محوطه برود. او چند باری تلاش می‌کند تا اینکه آخرین بار بند کیفش را به دور گردنش می‌اندازد تا دستانش آزاد شوند و راحت‌تر از روی فنس به داخل محوطه بپرد. او به فنس‌ها آویزان می‌شود و در همین لحظه تعادلش را از دست می‌دهد و بند کیفش به فنس‌ها گیر می‌کند و دور گردنش پیچانده می‌شود و او را خفه می‌کند.

همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی برای انجام آزمایش‌های لازم و مشخص‌شدن علت اصلی مرگ بازپرس ویژه قتل به تیم جنایی دستور داد بررسی شود دختر فوت شده با چه کسی در آن محل قرار ملاقات داشته است تا زوایایی پنهان این حادثه روشن شود.

مفقودی

برگ سبز و برگ کمپانی خودرو تاکسی پژو روا مدل ۱۳۹۰ به رنگ زرد خورشیدی با نوار شطرنجی مشکی روغنی و شماره پلاک ایران ۳۰ - ۳۶۷ب۱۹ و شماره موتور ۱۱۸۹۰۰۱۸۷۹۶ و شماره شاسی NAAB۴۱PM۴BH۳۶۸۶۸۹ متعلق به معصومه بیگدلی با کد ملی ۰۰۵۷۵۱۴۶۶۶ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. البرز

مفقودی

برگ سبز و برگ کمپانی خودرو ولو T۵-XC۶۰ مدل ۲۰۱۳ به رنگ مشکی متالیک و شماره پلاک ایران ۳۰ - ۳۶۷ب۱۹ و شماره موتور B۴۲۰۴T۷*۱۱۱۳۱۵۸ و شماره شاسی ۶V۱۴۷HDZ۲D۲۴۰۸۸۵۰ متعلق به نیکراد نقی‌بخشایش با کد ملی ۰۴۴۱۸۰۸۱۲۳ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. البرز

مفقودی

برگ سبز و برگ کمپانی موتورسیکلت ساوین CDI۱۵۰ مدل ۱۳۹۳ به رنگ سبز و شماره پلاک ایران ۳۲۵ - ۳۶۶۲۵ و شماره موتور ۰۱۴۹NDR۰۲۷۶۵۱ و شماره تنه NDR***۱۵۰T۹۳۶۶۳۵۰ متعلق به غلامرضا رضایی برزیده کد ملی ۳۳۵۹۱۵۳۸۱۲ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. البرز

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی حوزه ثبتی نوشهر

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ املاک متقاضیانی که در هیأت موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی نوشهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رأی لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد:

املاک متقاضیان واقع درقریه فراشکلای علیا پلاک ۷ اصلی بخش ۵ قشلاقی

۱۳۱ فرعی آقا/ خانم غلامرضا آقا محمدعارف فرزند ماشاء اله نسبت ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی (کاربری مسکونی) به مساحت ۲۶۶.۹۴ مترمربع خریداری بدون واسطه با واسطه از حسن دیوسالار

لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه محلی اکثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها، رأی هیأت الصاق تا در صورتی که اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا ۲ ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سندمالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. بدیهی است برابر ماده ۱۳ آیین نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلا اظهارنامه ثبتی پذیرفته نشده‌واحد ثبتی با رأی هیأت پس از تنظیم اظهارنامه حاوی تحدید حدودمراتب را در اولین آگهی نوبتی و تحدید حدود به صورت هم زمان به اطلاع می رساند و نسبت به املاک در جریان ثبت و فاقد سابقه تحدید حدودواحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می نماید.

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۲/۰۲/۰۹ نوبت دوم ۱۴۰۲/۰۲/۲۳

صفر رضوائی رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نوشهر

شناسه آگهی: ۱۴۸۶۷۱۹

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی حوزه ثبتی نوشهر

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ املاک متقاضیانی که در هیأت موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی نوشهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رأی لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد:

املاک متقاضیان واقع درقریه اتارود پلاک ۲ اصلی بخش ۳ قشلاقی

۱۳۲۹ فرعی آقا/ خانم جعفر فرخی فرزند عباس نسبت ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی (کاربری مسکونی) به مساحت ۲۹۰.۱۳ مترمربع خریداری بدون واسطه با واسطه از امیر مصطفی باقرزاده

لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه محلی اکثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها، رأی هیأت الصاق تا در صورتی که اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا ۲ ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سندمالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. بدیهی است برابر ماده ۱۳ آیین نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلا اظهارنامه ثبتی پذیرفته نشده‌واحد ثبتی با رأی هیأت پس از تنظیم اظهارنامه حاوی تحدید حدودمراتب را در اولین آگهی نوبتی و تحدید حدود به صورت هم زمان به اطلاع می رساند و نسبت به املاک در جریان ثبت و فاقد سابقه تحدید حدودواحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می نماید.

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۲/۰۲/۰۹ نوبت دوم ۱۴۰۲/۰۲/۲۳

صفر رضوائی رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نوشهر

شناسه آگهی: ۱۴۸۶۷۵۴

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۲۰ و برابر رای شماره ۲ و ۱۴۰۱۶۰۳۱۰۰۱۳۰۲۰۴۵۱ مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۳۰ هیأت قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی چمستان تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی به نام آقا/ خانم محمدتقی رضائی و افسانه علیزاده فرزند ابراهیم و حسین به ترتیب نسبت به پنج دانگ مشاع و یک دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۲۰۲.۷۲ مترمربع به شماره پلاک ۳۵۳ فرعی از ۵۴ اصلی واقع در قریه لسفیجان بخش ۱۱ صلح شده از آقای/ خانم ابراهیم رضائی و غیره مالک رسمی محرز گردیده است. لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه محلی اکثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها، رأی هیأت الصاق تا در صورتی که اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا ۲ ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سندمالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۲/۰۲/۰۹ نوبت دوم ۱۴۰۲/۰۲/۲۳

عین اله تیموری- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک چمستان

شناسه آگهی: ۱۴۸۲۳۵۵